



پشتیبانی و ستایش مجاهدین خلق ایران از افدام ویتسناد قطع وابستگی صنایع کامپیوتری

مجاهدین خلق ایران ضمن اعلام پشتیبانی از پیشنه‌های افدام ویتسناد قطع وابستگی صنایع کامپیوتری...

بزرگداشت شهادت سردار جنگل امروز مجاهدین خلق ایران ادامه تاریخی راه سردار جنگل را در حمایت هر چه بیشتر از مواضع قاطع صدامیریالیستی امام خمینی یافته‌اند...

چه باید کرد؟

علاج همه‌دردهای بی‌درمان امروز، در ادامه دادن و هر چه عمیق‌تر کردن مبارزه ضد امپریالیستی آمریکایی نرفته‌است.

پیام مجاهدین خلق به تمام مردم و نیروهای انقلابی و مردمی: پیش سوی ریشه‌کن کردن نفوذ امریکا.

عمده‌ترین دآوری کنونی دردها

چه خوب است که در خصوص مشکلات و گرفتاری‌های متعدد چه سیاسی و اقتصادی و نظامی و اداری و اقسام ترغیصات... خلق ما بار دیگر طعم شیرین و انقلابی وحدت را...

و هینطور امام گفته بود: باید از همه افکار یکپارچه باشد. چطور در آن وقتی که ما با وجود این قدرت شگفتانگیز داشتیم...

براستی هم که برای نیروهای انقلابی و اقوام که به اشتغال با این صورت بخشنید باشد چرا که دیگر پس از ماه‌ها...

«ما متفرقه اندازی و تفرقه را سپهر حوریت و سپهر عفت و سپهر شرف را...

ایضا، می‌رود؟ اگر مثالی می‌خواهیم بزنیم: وقتی دودگر با همه ذرات در هوا...

و کست ناپذیری، که باز هم بقول خود قرآن ابتدا در کف و کفایت...

اگر درست است که در امری و بی‌استعابلی، امپریالیستی گند... پس بنابراین اگر در راه... حرکت کنیم...

بله طی ده ماه گذشته این یکدلی و یکپارچگی آرزوی دانشی مجاهدین ایران...

است این روز در چهارم خرداد گذشته به این ترتیب بیان شده است:...

عقاب جورگشوده بال بر همه شهر

اولین روزهای سپاه پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ است. عقاب بیاد می‌کند...

آذر اولین ترکش انقلابی خشم خلق بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد

فرزندانش خون بگرید. اما فرزندش حال یک جنز را به همه دنیا نشان...

حالا که هر یک از اعضای که از آن هنگام تا...

روز آغاز فریاد است، روز شکست است، روزی است که خون گرم و...

روز ۱۸ آذر قرار بود که در چهارم...

نکته: در این مطلب و در بیانات دیگر...

بچه‌در صفحه

عاشورای امسال، درفش سرخ شهادت در کف، و سرود فتح و بشارت بر لب



نقش نیروهای مسلح مردمی در تاریخ معاصر میهن ما

بعد از آنمه فداکاری و رشادت مجاهدین صدر مشروطه خلق سلاح می‌شوند

این رفت و توسط محمد علی سزوا مجدد تشاد سلطنت استبدادی اشکام باید، مجاهدین سریز به زهری سزار خان و باخرجان حیوان...

مسئله شوراها و برخورد قانون اساسی با آن

در یک سبزه دربار مدت قد امپریالیستی که توده‌های نقش تعیین کننده را در آن ایفای می‌کنند...

ایده‌ولوژی

چنانکه میدانید در عرف تشیع انقلابی حرکت از روزهای مهم عقیدتی و سیاسی دارای زبانی مخصوص...

بیرقوی از زیارت عاشورا

این تشیع از بیعت با امیرالمؤمنین (ع) و تکریم او به گونه‌ای است که...

پیش‌در صفحه

پیش‌در صفحه

پیش‌در صفحه

پیش‌در صفحه

پیش‌در صفحه

پیش‌در صفحه

نامه جمعی از کارگران راه آهن به نشریه مجاهد

بعد از تعطیل کلاسها و گرفتن سلاحها پنداشتیم که تکرار آموزش نظامی در محیط راه آهن خواب و خیالی پیش نیست

نخستین گرانقدر مجاهد! آنچه ما در نوشتن این نامه جو خورانیگری است که بدینال فرمان امام پدیده است. آنچه بدینال انقلاب جاسوسخانه آمریکا انقلاب افتاد و افتاد اهداف پلید امپریالیسم آمریکا که سحر به اوج گرفتن روحیه ضدامپریالیسم لبرتی مردم قهرمان ایران، گردید. لبرتی مادامی نظامی و بسیج کارگران و سایر توده های تشدید شده و رنج کشیده ایران را بمنزله تندیه نشان تمام انقلاب ایران در صدر برنامه قرار داد. براساسی اگر کارگران که اطمینن طیف های هستند که مستضعفین زمان با را میبازند، به سلاح سیاسی و نظامی مجهز شوند، چگونه میسبست سرمایه داری وابسته حوالت ترانسیت در این مملکت باقی ماند. در چنان شرایطی بطور یقین دشمن از دست بایی دراز بر ما ناپس خواهد شد.



کارگران می خواهیم سلاحها نامحوصل امپریالیسم در دستمان باشد.

ما با توجه به فرمایش امام که فرمودند در این شرایط سیاست نیز به مبارزه با آمریکا به چیز دیگری حکمت و با توجه به اینکه آن حکومت آمریکا از شیطان بزرگ خوانده اند و این روزها شیطان بزرگ برای ما خطر نشان میدهد. و منتظر فرصت است تا بار دیگر ما را به زیر یوغ استعمار بکشد، حتی اگر آموزش نظامی باعث پاشن آمدن بوفت تولید در بعضی کارخانجات شود با توجه به نقش صمیم کشنده ای که در ضمانت تداوم انقلاب دارد و با توجه به اشتد نفسی که به یک یک کارگران فرخنده داده و تعبیری که در جهت رشد و کمال انسانی آنها میدهد از برای آنها دارد که به ما ملانورم را برای این بهرمانی توجه کنیم که انقلاب واقعی آن است که انصافهای انقلابی بسازد و کمره هر غمخیز دیگری پایدار نخواهد ماند.

چگونگی فعالیت کلاسهای آموزش نظامی ما با توجه به حجم کارهای راه آهن، اغلب نسبتاً پیش از ساعت نهار، کار زیادی برای انجام دادن ندارند. ملاحظه است که در ساعات اولیه با توجه به فراوانی کار و اینکه کلاسهای آموزشی در این ساعات از لایم دارد سولای از ساعت ۱۲/۳۰ تا ۱ بعد از ظهر دست از کار میکشند. البته این امر با افاده کشم که این به سنای از زیر کار در رفتن نیست، بلکه میزان کار روزانه در همین مدت پاهای میباید و بهرین کتالیهای جدید مستلزم چند ساعت کار است و لذا یک ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است.

مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است.

مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است. مستندت بود ساعت باقی مانده است.

شایسته شده از محیط راه آهن بریده شد. روزی که فرار شد خلاصی کسبت انتظارات تحویل گرفته شود. که مالا موجب تعطیل کلاسهای آموزشی نظامی میگردد. پیش از آنکه کارگران در جریان کلاسهای شرکت کرده بودند. با عیتم و تراحتی در مدد منامت برآمدند و این مسئله نشان میدهد که ما مقدر به این آموزش احساس نیاز میکردیم. ما در واقع بودیم که جز بر باوری تودم های زحمتکش و کارگران شریف این آب و خاک. بر هیچ چیز دیگری نتوانیم برای همیشه اعتماد کرد و لذا میخواستیم که کلاسهای همیشه و تا نحو کامل امپریالیسم در دست ما باشد.

پس از آن روزها ما و سایر کارگران که آن کلاسها را دیدیم، در نتیجه پنداشتیم که دیگر تکرار آن صنعتها تکرار آموزش نظامی جوی برابست کارگری، خواب و خیالی نیست و اکنون با فرمان امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب، ما بوظیفه تمام کردن خود را برای روبرویی با دشمن بزرگ غربت، امپریالیسم جهانخواه آماده کنیم. و اکنون که آموزش نظامی در محیطهای کارگری و در سراسر ایران تشویق شده است، بار دیگر نور امید در دلها ما تابیده است. اکنون ما امیدواریم که نه تنها در محیط راه آهن بلکه در سراسر ایران عزیز، کارگران با دیدن آموزش های نظامی و با تکیه بر سلاح، نتوانند همچنان پشت سر امام و پیشانی انقلاب شکوهمند مان تا نحو کامل امپریالیسم به پیش روند.

کارخانه نخ زین در کیلومتر ۷ جاده گرچ واقع شده. سابقه تالیات آن به ۲۰ سال می رسد. تولید این کارخانه فرقه های رنگی رنگگون است که به صرف داخلی می رسد. ماشین آلات اصلی قادر به تولید حدود ۳۰ هزار متر مربع در روز می باشد. این کارخانه ۶۵ کارگر دارد، ۱۵ کارگر زن و ۲ کارگر دارد. در کارخانجات کوچکتری از این قبیل فشار کار و شرایط فعالیت سخت است. اشتغال در شعبه ترین بخش آن در این کارخانه چشم خیره کننده. قبل از قیام قهرمانان مردم ما در سپهر سال گذشته کارخانه برای استفاده از نیروی کار ایران از کارگران پاکستانی و هندو هم استفاده نمود. استفاده از این کارگران به کارخانه امکان میداد تا سطح دستزد درگران را در پایین ترین حد نگهدارد و اشتغالترین امکانات و تسهیلات را برای آنها فراهم کند. بدین ترتیب ولی در آن موقع، شرایط اشتغال آمیزی در کارخانه برقرار گردید. تا با ایجاد چنین وضعی امکان اشتغال شیابوری و خوشحانه کارگران را بدست آورد. حقوق آنها با توجه به شرایط سخت زندگی و پایین بودن درآمد و سختی بسیار بزرگ آنها، اطاعت حاکم محروم می ای در اختیار چند کارگر مرد میگذاشت. تا در آن زندگی کنند. بملت روز مزد دیده اش کارگران استفاده از کارگران جدید. در حال حاضر کارخانه متجاوز از ۵۰ کارگر دارد که بیشتر از ۶-۵ ماه سابقه کار دارند. در شرایط فعلی حداقل حقوق کارگران که تعداد زیادی را شامل می شود ۶۰ تومان است. جز کابوای بوز نیاز که از کره جنوبی و ترکیه تهیه می شود دیگر مواد اولیه لازم کارخانه مثل رنگ و پنبه و... از داخل تامین میگردد.

امکانات بهداشتی کارخانه بسیار ناچیز است. اطاق نهارخوری کارگران کمبش حدود ۲۰ نفر دارد. و به کارگران زن و مرد در نوبت غذا داده می شود. اما غذای پیش سانسترین غذای کارگران را آجود خیار تشکیل میدهد.

کارگران با وجود فشارهای زیاد بملت شرایط خاص حاکم بر کارخانه تا اردیبهشت ماه حال جاری امکان هیچ گونه تشکلی نداشتند. مبارزه مردم و حرکتی کارگران دیگر تازگی خود را بر این کارخانه گذاشت و کارگرانی را برای مبارزه و تقصیر بزرگ خانه بحرکت واداشت. آنها در اردیبهشت ماه ۲ نفر را برای تشکیل

کارخانه نخ زین در کیلومتر ۷ جاده گرچ واقع شده. سابقه تالیات آن به ۲۰ سال می رسد. تولید این کارخانه فرقه های رنگی رنگگون است که به صرف داخلی می رسد. ماشین آلات اصلی قادر به تولید حدود ۳۰ هزار متر مربع در روز می باشد. این کارخانه ۶۵ کارگر دارد، ۱۵ کارگر زن و ۲ کارگر دارد. در کارخانجات کوچکتری از این قبیل فشار کار و شرایط فعالیت سخت است. اشتغال در شعبه ترین بخش آن در این کارخانه چشم خیره کننده. قبل از قیام قهرمانان مردم ما در سپهر سال گذشته کارخانه برای استفاده از نیروی کار ایران از کارگران پاکستانی و هندو هم استفاده نمود. استفاده از این کارگران به کارخانه امکان میداد تا سطح دستزد درگران را در پایین ترین حد نگهدارد و اشتغالترین امکانات و تسهیلات را برای آنها فراهم کند. بدین ترتیب ولی در آن موقع، شرایط اشتغال آمیزی در کارخانه برقرار گردید. تا با ایجاد چنین وضعی امکان اشتغال شیابوری و خوشحانه کارگران را بدست آورد. حقوق آنها با توجه به شرایط سخت زندگی و پایین بودن درآمد و سختی بسیار بزرگ آنها، اطاعت حاکم محروم می ای در اختیار چند کارگر مرد میگذاشت. تا در آن زندگی کنند. بملت روز مزد دیده اش کارگران استفاده از کارگران جدید. در حال حاضر کارخانه متجاوز از ۵۰ کارگر دارد که بیشتر از ۶-۵ ماه سابقه کار دارند. در شرایط فعلی حداقل حقوق کارگران که تعداد زیادی را شامل می شود ۶۰ تومان است. جز کابوای بوز نیاز که از کره جنوبی و ترکیه تهیه می شود دیگر مواد اولیه لازم کارخانه مثل رنگ و پنبه و... از داخل تامین میگردد.

بمخورد های ضد شورایی و عکس العمل کارگران (مستدوم)

روند برخورد های دولت با شوراهای کارکنان

انتقاد کرد امپریالیسم هم سبب خوردن آرام در این سکرهای خالی شده از انتضات خالی رفته رفته خط مبنی دولت با تصفیه عناصر مترقی، دعوت از سرمایه داران برای وابستادن در مقابل شوراهای کارکنانجا... روستن شد. بنابر دیگر جریان بازسازی نهادهای سیاسی و آذاری فربه خورده سیاستیک شد. ما در زیر روند برخورد های دولت را با شوراهای کارکنان بازگو می کنیم:

استارکتی مستقیم از مجاری دولتی این کارکنی ها از حدود ۵ ماه قبل بر ملا شد. مثلا در تاریخ ۵/۸/۶۸ ای وزیر کار وقت به نمایندگان شوراهای چند کارخانه چنین گفت: اساس نامه (شورای) تنها میگویند وظیفه ای و وزارت کارخانه است و اساسا جانی برایش قائل نمیدانند. لذا نباید در مورد تامل من به زندگیا ناراحت ما بشوید بطرف اینک شوراهای فعال و کارساز بوده اند، ولی در بعضی موارد محل نماینده منتخب شوراهای ذریع وزیر کار می گوید. "شوراهای استارکتی اساسا میباید و میباید مستقیم به اساسی ادارم. تا یک ماهه ساده این کتعه های نوی شخصی می شود که وزیر بقره صفحه ۴

ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی در جمهوری اسلامی هنوز هم اجرا میشود!

کارفرما با تبلیغات سوء علیه شوراهای و باخت با مشتریان سابق کارخانه و سایر خریداران مانع فروش تولیدات شده است

آکنای برای دستکاری در آنها و با کم کاری وجود ندارد. کارگران برای بازگرداندن احرامی ها و رسیدگی به خواست هایمان جلو کارخانه نشینند، روز پنجم ۱۹/۷/۶۸ کارگران احرامی با تکیه بهوست و برای رفتن کارخانه طرف درب حرکت میکنند، اما مشاهده می کنند که کارفرما در با سته تا از بازگشت کارگران به تکرار، جلوگیری کرد. یکی از کارگران وقتی درب کارخانه را بسته میباید، میگوید: "ما در درب کارخانه را شکویم درب کارخانه را شکویم؟" و نگاه هکی بطرف درب هجوم آورد، پس از ورود به کارخانه بکار مشغول میشوند. پس از مدتی مأموران کتبه مسلح وارد کارخانه شده و کارگران احرامی را بیرون می کنند. بقیه کارگران دست از کار کشید و در جلساتی با شرکت کارفرما، رئیس کتبه و شرکت میکنند. احرامی تشکلی می شود، شرکت میکنند در این جلسه کارفرما میگوید دلیلش برای اعتراض نمیتواند ارائه کند. لذا سبب از وزارت کار ارجاع می شود. در آنجا طبق ماده ۳۳ قانون صنعتی است. یعنی هر موقع خواست کارگر را احرامی کرد.

بمخورد های ضد شورایی و عکس العمل کارگران (مستدوم) کارخانه نخ زین در کیلومتر ۷ جاده گرچ واقع شده. سابقه تالیات آن به ۲۰ سال می رسد. تولید این کارخانه فرقه های رنگی رنگگون است که به صرف داخلی می رسد. ماشین آلات اصلی قادر به تولید حدود ۳۰ هزار متر مربع در روز می باشد. این کارخانه ۶۵ کارگر دارد، ۱۵ کارگر زن و ۲ کارگر دارد. در کارخانجات کوچکتری از این قبیل فشار کار و شرایط فعالیت سخت است. اشتغال در شعبه ترین بخش آن در این کارخانه چشم خیره کننده. قبل از قیام قهرمانان مردم ما در سپهر سال گذشته کارخانه برای استفاده از نیروی کار ایران از کارگران پاکستانی و هندو هم استفاده نمود. استفاده از این کارگران به کارخانه امکان میداد تا سطح دستزد درگران را در پایین ترین حد نگهدارد و اشتغالترین امکانات و تسهیلات را برای آنها فراهم کند. بدین ترتیب ولی در آن موقع، شرایط اشتغال آمیزی در کارخانه برقرار گردید. تا با ایجاد چنین وضعی امکان اشتغال شیابوری و خوشحانه کارگران را بدست آورد. حقوق آنها با توجه به شرایط سخت زندگی و پایین بودن درآمد و سختی بسیار بزرگ آنها، اطاعت حاکم محروم می ای در اختیار چند کارگر مرد میگذاشت. تا در آن زندگی کنند. بملت روز مزد دیده اش کارگران استفاده از کارگران جدید. در حال حاضر کارخانه متجاوز از ۵۰ کارگر دارد که بیشتر از ۶-۵ ماه سابقه کار دارند. در شرایط فعلی حداقل حقوق کارگران که تعداد زیادی را شامل می شود ۶۰ تومان است. جز کابوای بوز نیاز که از کره جنوبی و ترکیه تهیه می شود دیگر مواد اولیه لازم کارخانه مثل رنگ و پنبه و... از داخل تامین میگردد.

ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی در جمهوری اسلامی هنوز هم اجرا میشود!

کارفرما با تبلیغات سوء علیه شوراهای و باخت با مشتریان سابق کارخانه و سایر خریداران مانع فروش تولیدات شده است

آکنای برای دستکاری در آنها و با کم کاری وجود ندارد. کارگران برای بازگرداندن احرامی ها و رسیدگی به خواست هایمان جلو کارخانه نشینند، روز پنجم ۱۹/۷/۶۸ کارگران احرامی با تکیه بهوست و برای رفتن کارخانه طرف درب حرکت میکنند، اما مشاهده می کنند که کارفرما در با سته تا از بازگشت کارگران به تکرار، جلوگیری کرد. یکی از کارگران وقتی درب کارخانه را بسته میباید، میگوید: "ما در درب کارخانه را شکویم درب کارخانه را شکویم؟" و نگاه هکی بطرف درب هجوم آورد، پس از ورود به کارخانه بکار مشغول میشوند. پس از مدتی مأموران کتبه مسلح وارد کارخانه شده و کارگران احرامی را بیرون می کنند. بقیه کارگران دست از کار کشید و در جلساتی با شرکت کارفرما، رئیس کتبه و شرکت میکنند. احرامی تشکلی می شود، شرکت میکنند در این جلسه کارفرما میگوید دلیلش برای اعتراض نمیتواند ارائه کند. لذا سبب از وزارت کار ارجاع می شود. در آنجا طبق ماده ۳۳ قانون صنعتی است. یعنی هر موقع خواست کارگر را احرامی کرد.

بمخورد های ضد شورایی و عکس العمل کارگران (مستدوم) کارخانه نخ زین در کیلومتر ۷ جاده گرچ واقع شده. سابقه تالیات آن به ۲۰ سال می رسد. تولید این کارخانه فرقه های رنگی رنگگون است که به صرف داخلی می رسد. ماشین آلات اصلی قادر به تولید حدود ۳۰ هزار متر مربع در روز می باشد. این کارخانه ۶۵ کارگر دارد، ۱۵ کارگر زن و ۲ کارگر دارد. در کارخانجات کوچکتری از این قبیل فشار کار و شرایط فعالیت سخت است. اشتغال در شعبه ترین بخش آن در این کارخانه چشم خیره کننده. قبل از قیام قهرمانان مردم ما در سپهر سال گذشته کارخانه برای استفاده از نیروی کار ایران از کارگران پاکستانی و هندو هم استفاده نمود. استفاده از این کارگران به کارخانه امکان میداد تا سطح دستزد درگران را در پایین ترین حد نگهدارد و اشتغالترین امکانات و تسهیلات را برای آنها فراهم کند. بدین ترتیب ولی در آن موقع، شرایط اشتغال آمیزی در کارخانه برقرار گردید. تا با ایجاد چنین وضعی امکان اشتغال شیابوری و خوشحانه کارگران را بدست آورد. حقوق آنها با توجه به شرایط سخت زندگی و پایین بودن درآمد و سختی بسیار بزرگ آنها، اطاعت حاکم محروم می ای در اختیار چند کارگر مرد میگذاشت. تا در آن زندگی کنند. بملت روز مزد دیده اش کارگران استفاده از کارگران جدید. در حال حاضر کارخانه متجاوز از ۵۰ کارگر دارد که بیشتر از ۶-۵ ماه سابقه کار دارند. در شرایط فعلی حداقل حقوق کارگران که تعداد زیادی را شامل می شود ۶۰ تومان است. جز کابوای بوز نیاز که از کره جنوبی و ترکیه تهیه می شود دیگر مواد اولیه لازم کارخانه مثل رنگ و پنبه و... از داخل تامین میگردد.



مردم و مجاهدین

افشاکری باید از یکطرف مبارزه صدامبرایستی خلقمان را به پیش براند و از طرف دیگر در بالا بردن دانش سیاسی-ایدئولوژیک مؤثر باشد

خواهران و برادران - نیست، ایست که تعداد زیادی از خواهران و برادران با انتقاد کرده‌اند که سطح مقالات بالابت و مطالب سنگین، در این خواهران و برادران نمی‌توانند استفاده کافی و وافی از آنها بنمایند. شایفا به اینکه سنگینی "ظلم" و پیچیدگی نوشتن نیز به این مسئله دامن می‌زند. در این رابطه لازم به توضیح است که اولاً با توجه به فاز حرکت مردم و به رشد آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی تما خواهران و برادران جبراً گرفت و سطح مقالات باید بالا رود، و با توجه به اینکه بر اثر دیکتاتوری و اختیالی که در جامعه ما بود، پالین بودن آگاهی‌های سیاسی بصورت یک بیماری مزمن اجتماعی درآمده است، در اینجا تعدادی بیش می‌آید. ضرورت و پیچیدگی کار از بسو و از سوی دیگر نتایج مستندی که بر اثر حاکمیت چندین و چند ساله پلسی - ناهلی یک رژیم فاسد ضد خلقی امکان تبادل نظر و آگاهی را در کمترین حد خود نیز نیافتاده است. در این تبادل عوامل مژده‌ی نیز به پیچیدگی قضیه کمک می‌کنند. عناصر معلوم الحال و ارتجاعی که مرگ تاریخی کرد و در رشد آگاهی‌های مردم میبندد با انحسار ظلمی‌های اجتماعی خود مانع بر سر خرد و صریح و مستقیم ما و شما شده و همانطور که شاد شاهد بوده‌اید با پیش کشیدن سواحل فرعی، کارکنانی های متمدن، بخش و نشر شایعات سر تا پا چلنی و دروغ و ...

علا با تع میبندد تا هم ما - هم جریانی مقداری از نیروهایمان را صرف کارهای فرعی کنیم و هم شا فرست خاله و فکر بیشتر روی مطالب و مسائل سیاسی نداشته باشیم. از همه اینها کشته بسیاری از مسائل که باید مطرح شده و حلایی کردند طبعاً میباید میباید و برای درک آنها باید مطالعات قدمتی لازم را داشت. در اینجا نهاد را میتوان دوگونه حل کرد. با اینطریق کردن این مسائل اساسی - که عموماً سنگین هم هستند، صرف نظر کنیم و یا از خواهران و برادران خود بخوایم که با مطالعه و پیگیری مستمر و تفکر و وقت گذاشتن بیشتر روی آنها دانش خود را به سطح آن نوشته و مقالات ارتقا دهند. ما ترجیح می‌دهیم ولو اینکه در ابتدا کار، با مشکلات متعددی روبرو می‌شویم، راه‌عمل دور و برگیریم. البته در کنار این مسائل اصولی و سنگین سعی خواهیم کرد که مطالب ساده‌تر و بزبان سلیس‌تری را هم داشته‌باشیم. در ضمن باید توجه کرد که راه حل اصلی این مسئله در واقع انتشار نشریات خامی است که هر یک برای اقشار مختلف بزبان خود آنها منتشر شود. مثلاً نشریه‌های کارگری یا دانشجویی و دانشجو‌های و ...

که فزاینده‌توجه ما کاتبات و محدودیت‌های ما چنین چیزی ممکن نیست. گذشته از تمام این مسائل منظر پیشنهادات عملی شما در این باره هستیم.

مشکلات فردی و خانوادگی را باید جزئی از مشکلات جنش دید.

خواهران و برادران - نیست، ایست که تعداد زیادی از خواهران و برادران با انتقاد کرده‌اند که سطح مقالات بالابت و مطالب سنگین، در این خواهران و برادران نمی‌توانند استفاده کافی و وافی از آنها بنمایند. شایفا به اینکه سنگینی "ظلم" و پیچیدگی نوشتن نیز به این مسئله دامن می‌زند. در این رابطه لازم به توضیح است که اولاً با توجه به فاز حرکت مردم و به رشد آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی تما خواهران و برادران جبراً گرفت و سطح مقالات باید بالا رود، و با توجه به اینکه بر اثر دیکتاتوری و اختیالی که در جامعه ما بود، پالین بودن آگاهی‌های سیاسی بصورت یک بیماری مزمن اجتماعی درآمده است، در اینجا تعدادی بیش می‌آید. ضرورت و پیچیدگی کار از بسو و از سوی دیگر نتایج مستندی که بر اثر حاکمیت چندین و چند ساله پلسی - ناهلی یک رژیم فاسد ضد خلقی امکان تبادل نظر و آگاهی را در کمترین حد خود نیز نیافتاده است. در این تبادل عوامل مژده‌ی نیز به پیچیدگی قضیه کمک می‌کنند. عناصر معلوم الحال و ارتجاعی که مرگ تاریخی کرد و در رشد آگاهی‌های مردم میبندد با انحسار ظلمی‌های اجتماعی خود مانع بر سر خرد و صریح و مستقیم ما و شما شده و همانطور که شاد شاهد بوده‌اید با پیش کشیدن سواحل فرعی، کارکنانی های متمدن، بخش و نشر شایعات سر تا پا چلنی و دروغ و ...

علا با تع میبندد تا هم ما - هم جریانی مقداری از نیروهایمان را صرف کارهای فرعی کنیم و هم شا فرست خاله و فکر بیشتر روی مطالب و مسائل سیاسی نداشته باشیم. از همه اینها کشته بسیاری از مسائل که باید مطرح شده و حلایی کردند طبعاً میباید میباید و برای درک آنها باید مطالعات قدمتی لازم را داشت. در اینجا نهاد را میتوان دوگونه حل کرد. با اینطریق کردن این مسائل اساسی - که عموماً سنگین هم هستند، صرف نظر کنیم و یا از خواهران و برادران خود بخوایم که با مطالعه و پیگیری مستمر و تفکر و وقت گذاشتن بیشتر روی آنها دانش خود را به سطح آن نوشته و مقالات ارتقا دهند. ما ترجیح می‌دهیم ولو اینکه در ابتدا کار، با مشکلات متعددی روبرو می‌شویم، راه‌عمل دور و برگیریم. البته در کنار این مسائل اصولی و سنگین سعی خواهیم کرد که مطالب ساده‌تر و بزبان سلیس‌تری را هم داشته‌باشیم. در ضمن باید توجه کرد که راه حل اصلی این مسئله در واقع انتشار نشریات خامی است که هر یک برای اقشار مختلف بزبان خود آنها منتشر شود. مثلاً نشریه‌های کارگری یا دانشجویی و دانشجو‌های و ...

که فزاینده‌توجه ما کاتبات و محدودیت‌های ما چنین چیزی ممکن نیست. گذشته از تمام این مسائل منظر پیشنهادات عملی شما در این باره هستیم.

مشکلات فردی و خانوادگی را باید جزئی از مشکلات جنش دید.

نکته دوم آن تعداد از خواهران و برادران ما که خواهران افشاکری بیشتر ما هستند در نظر می‌گیریم که هر وقت افشاکری بجای خود ولی این افشاکری زبانی می‌تواند تاثیر لازم خود را داشته باشد که مرحله‌ای مشخص حرکت و نیازهای راستین مردم بیوند عمیق و کارکنان داشته‌باشد. یک سازمان انقلابی تنها کافی نیست که هر چه را می‌داند و ولو اینکه درست باشد بگوید - و اما نشاید. بلکه مسئله مهمتر و حاسم‌تر اینست که این افشاگرها در کجا و چگونه انجام گیرد. به نظر ما افشاکری باید از یک طرف مبارزه ضدامپریالیستی خلقمان را پیش براند و از طرف دیگر در بالا بردن سطح دانش سیاسی-ایدئولوژیک خواهران و برادران ما مؤثر باشد. و بر همین اساس هم برنامه‌ها و مقالات خود را تنظیم کنیم.

سنگین بودن مطالب مجاهدان آنها میتوان از طریق انتشار نشریات خاص برای افشاکرانگان چون کرد بنحوی که برای همه افشاکران قابل فهم باشد

مسئله مهم دیگری که چندان ارتباط با افشاکر بالا - لزوم ارتقا آگاهی و دانش سیاسی

مسئله‌سوراها و بر خورد قانون اساسی با آن

پیش از همه
من باب مثال اصل یکدم، ملت وجودی و هدف خوراها را: بیشتر بر پایه‌های اجتماعی و ... زمای او طریق همکاری مردم ...

توجه به تضامین محلی، مناز کرده و کار خوراها را اساساً - نظرات سی دانند. (۲) ...

با نگاه گزافی به این اصل و اصول بعدی که توضیحات بیشتری در مورد خوراها داده‌است در می‌بایم که قانون اساسی صوب برای پیروزی یک نظام خورانی اصلی. یک نهاد نظارتی و صوری ارائه کرده‌است که هیچوجه با اهداف اساسی خوراها هماهنگی ندارد زیرا:

اولاً - حق تصمیم‌گیری و اداره امور از خوراها طلب و در صورت قطع نظارت به آنها داده شده است. ثانیا - در حالیکه خوراها راهی خلیلور نقش‌نشین‌کننده بر مایه مردم در امور ملکی هستند، اصل یکدم خوراها را خاص‌نگاری کرده‌اند. ثالثاً - هیچ اشاره‌ای به حق خود تصمیم‌دانی ملیت‌های تحت ستم مخالف نشده‌است. رابعاً - صلاحیت خوراها به هیچوجه شامل قانونگذاری محلی نمی‌باشد. حتماً - هیچ توضیحی در مورد حفاظت امنیت داخلی و ... نشده‌است. خامساً - یکی از بارزترین نقایص این "اصول" در اصل یکدم به چشم می‌خورد. آنجا که می‌گوید استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات

اردوی سازندگی در میان مردمی اسپر

پیش از همه
میشود. کشاورزان در حین عبور از جاده‌ها و بر مزرعه با مردم داستان هم که شده، ملا هلیک کرم خود را کنار می‌کشند، آنها چنان به خوراها و برادران ما اطمینان کرده‌اند. که خصوصی ترین مسائلشان را نیز در میان می‌گذارند. برای انجام کارکنترین بر تاهاییان نیز با جمعا صورت می‌کند و در مقابل هر کسی که با اردو می‌خفت می‌بایستند. وقتی که مرتجعین برای، سپ رند کار اردو به روستا آمدند با سینه‌های سبز رده خون بجوش آمده روستایان مواجه شده و فرار کردند.

برنامه یکم روزگار اردو
روست و صحت و فعالیتان را امکاناً ضمن عبور، با اطلاع خدمات درمانی وسیعی را بپاده کردیم. فواید عمرانی اردویمان محدودتر بود. برنامه کار یکروز اردو در ماه رشتان را میتوان چنین نام کرد: ۱- ساعت ۴. پانزده همگی بیدار می‌شوند و بعد از صرف صبحی در چادرهایی که بر خاک تپها مدرسه روستا ارتقا شده‌است به نماز جماعت می‌ایستند. نماز را به امامت یکی از برادران شروع کرده و بنامای جی‌بی به پایان می‌برند و هنوز خورشید از پشت ابرها سر بر نیاورده که همه همبای کار می‌شوند. آنها که محل کارشان به اردو نزدیک است نیم ساعتی در سز از شروع حرکت می‌کنند ولی همگی قبل از تپه کار به لحاظ تشنه‌ی تمام و رومیه حمی و تشنه‌ی می‌تاپ با شادی زمان اردووار می‌ایستند و سرد می‌خورند. آنگاه به کار ساختمان می‌پردازند، یکی که گلنگد می‌کند، دیگری یک سبازد، آن یکی اجر روی هم می‌گذارد و ... نزدیک‌های همه دست از کار می‌کشند و ساطل هر حد آوری می‌کنند و سرد خورانه به چادرهای "ظلمه" بازگردند. پس از نطانت روزانه وجود ندارد و ما در آنجا تبلیغات درست سیاسی نداریم ...

بالاخره افکار آیدوارگی که تمام کشور را با یک عینک ببینیم. ضمن تنکر از این برادران و تمام برادرانی که در هر نقطه از مملکت چنین مصوری را دارند، می‌گوئیم برادر این گوی و این میدان. میدان برای خودت مجاهد را بگیر و بپوشش کن و خودت برنامه بگیر و تبلیغ کن و هر چه که از دست خود می‌آید برادران مجاهد ما در شیراز تمام بگیر و از آنها راهنمایی بخواد. انتظار داریم که نمیشود "می‌توانیم" را بشنوم.

عده‌ای از برادران و خواهران سئوال کرده‌اند نظارت از عبارت "شخصی" که در اطلاعیه شماره (۲) مجاهدین خلق در رابطه با کوهه کردن ضمن دشمن اصلی (امپریالیزم آمریکا) آمده‌است چیست؟ مقدمتا باید یادآوریم که در

اساسی در تهیه و تنظیم کارها و کنترل امور ندارند و هیچ طرح دیگری به ویژه سرمایه‌داران و کارفرمایان نیست. مسئولان مدافع حقوق آنان هستند. عمده‌ترین خطای اصلی یک همکاری کارکنان و کارفرمان در نتیجه‌ی همکاری بیشتر امور ملی نخواهد شد. گذردیم از اینکه اشاره اصل یکدم و چهارم به "همکاری" و "ایجاد هماهنگی در ... به منظور ارتقا حق اداره و تصمیم‌گیری خوراها بود. اما ... و بالاخره در اصل یکدمو ششم، امکان "انحلال" را به عنوان آخرین محدودیت خوراها ذکر کرده‌است. تا هرگاه یکی از این خوراها (قوانین (ملیاتی) را نقض کرد، (به نفع رخصتکاران مروج فاطم کرد)، و از سهولت بتوان آنها را شغل کرد. و از نترسان راضی شد، البته بسیاری از قوانین مورد اشاره بعداً تصویب خواهند شد. قوانینی که هیچ تصدی برای دفاع از خوراها و واقعی ایجاد نخواهد کرد ...

می‌بستم کتا وقتی سخت از گلی‌گویی‌ها (اصل مخفیانه اولی‌گویی) به "تیرا" ها نجات بیشتر میشود ولی به سیرد اینک وارد توخ و شرح‌دهنده بر بنیاد علمی و تحقیق می‌دهد قدمت‌مستوی خوراها می‌گردد و نهادیم به صورت اثری در دست سیستم حاکم در می‌آید. نه تصنیفی برای حاکمیت مردم ...

با انحال اگر ست قضا و حولات به نفع انقلاب و توده‌های محروم باشد، بدون شک خوراها واقعی (طبقه‌ای این قیدو بندهای تصویب شده، بوجود خواهند آمد ...

پیش از همه
برای آمادگی شرکت در کلاس‌های مفالعه می‌شوند و همگی غروب بعد از اتمام کلاس‌های سیاسی - ایدئولوژیک، هر گروه به مسئولیت متولیان آن کار روزانه را جمع بندی و نقد می‌کند تا اینکه در فردی از دیگر همگی با کیفیتی بهتر نشان‌دهنده را بکارگیرند. علاوه بر کسب تجربیات ارزنده کار جوی و برادران و سازمان ما موفق به انجام اقدامات زیر شدند:

۱- ساختن یک کل بیداری و بندگی ضمن قلعه نو.

۲- ایجاد کتابخانه در روستا های تل بیجا، قلعه‌نو و هرابال.

۳- تعمیرات اساسی مدرسه، تخریب خانه قابل - آن و ایجاد سرویس بهداشتی کامل در قلعه‌نو.

۴- ساختن یک مدرسه در تمام آباد (این مدرسه هم تمام است و فراراست به تمام اهالی تپه - اردو).

۵- ساختن یک بیداری و مقصودآباد بنام دریاگاه طالعانی.

۶- تهیه تمام وسایل و امکانات لازم برای ساختن ۲۰ کل در مقصودآباد که منبأ در اختیار مردم روستا قرار گرفت.

۷- چشمانی ۱۶۲ مکتار باغ سوه و زمین چشمانی و جالیز همچنین مازوه با موش صحرایی در ۲۰ روستا. سطح از حله روستاهای سالم‌آباد.

۸- هدت خوران، پالوآباد، پارس - جان، شش آباد و ...

۸- مدرسه مردم ۲۰ روستای منطقه صحرایی اکسب ساحر جنش.

۹- دایر کردن کلاس‌های تجدیدی و تقویتی در روستاهای تل بیجا و قلعه‌نو.

۱۰- تابش فیلم کوبج و سلاطیه مبارزت خلق ظاهر در همه روستاهای منطقه.

۱۱- برگزاری مراسم میدفر. نیت‌نشان، احیا، و بزرگداشت پدر طالعانی.

طرز برخوردی در اذهان ملت ایران جز مصافی افرادمان خود با شرکای ضد خلقی خود یا از عرض تفاوت و مکاتبات خلق نموده و تنها اسباب فراهم خرابکاری‌های ضد انقلابی بعدی آیدای سیا و ساواک بوده می‌باشد.

با توجه به تعریف شخصی "خلق" و "خلق" شخصی می‌تود که مورد خطاب این عبارت اعلامیه و اسبستان به رژیم گذشته یا عناصر وابسته به سیا و ساواک است که از ترس افکار عمومی در راه افتای اساسی وابستان به سیا و ساواک کارکنانی می‌کنند. گمانیکه با دلیل سوابق آلوده به وابستگی به سیا و ساواک می‌خواهند جلوی افشاکری‌ها گرفته شود. و به این ترتیب "شرکای ضد خلق" خودشان را به آن مکاتبات می‌رسانند، و باعث می‌شوند نظمه‌های خرابکاری در جامعه پس از انقلاب باقی بماند.

بنام خمینی، علیه خمینی

تا تکلیف جدید سیاه ارتجاع

از همان آغاز پیروزی قیام نیست «سو» استیاده از نام امام و سپهرم بود ارتجاعی فرمانده استار و محبوبیت تودماری ایشان هشدار داده بودیم. مجاهدین در نخستین روزهای ورود امام به ایران طی نامه‌ای به شخص امام از نقض اوضاع نامناسب و با جویاناتی که می‌داشتند تحت نام ایستادن فدایی خود را بپایه کنند.

خصایص ارتجاعی راستگرایان کانال مقدمه نویسی امیرالمؤمنین

بر این اساس نتیجه گرفته شد که خصایص ارتجاعی نیروهای راستگرا که در خدمت با نیروهای انقلابی و به ویژه مجاهدین متعلق می‌گردد در حال حاضر کانال مقدم امیرالمؤمنین برای نفوذ و استقرار مجدد است. درست به همین دلیل بهترین تلاش امیرالمؤمنین برای هیول کردن راه سلطه خود، طی این مدت، بر سر برداری از این خصایص و بخصوص نفوذ خشن ترین جناحهای ارتجاعی داخلی بوده تا بتواند از طریق آنها نیروهای انقلابی را ذبح خونی نماید. آنگاه فارغ از مزاحمت انقلابیون خواهند توانست سرمایه‌داری متوسط و لیبرال را از طریق نفوذهای کسپراوردی به سازش بکنانند و سیستم را در مجموع دوباره

در تیرماه و کارگذاشتن صلاحیهای سنگین و تفنگ دوربین دار در مقابل ستاد مرکزی مجاهدین در اردیبهشت. حمله به ستاد برادرانمان در خرم‌آباد آبادان، اسفهان، تبریز، ... بخش شایعات و اتهامات بیوز و بی‌اساس بطور سیستماتیک و در سطح وسیع برای بدبین ساختن مردم و تحریک آنها علیه نیروهای انقلابی از محولترین این شبهه‌هاست.

بزرگداشت شهدای مبارز ایرانی که امروز آرمان

آیت و ستمبلی از روحانیت بیدار و مبارز ایران که امروز آرمانی ضداستعماریش را در مواضع قاطع و اراده‌مند ضداستعماریستیم

بنام خلق قهرمان ایران دهم آذرماه جاری، چهل و یکمین سالروز شهادت مدرس بزرگ، گرامی باد. مجاهدین خلق ایران، خاطره گراندگر این پیشوای بزرگ سیاسی و روحانی خلق را گرامی داشته و گرمترین سلام انقلابی را بنام میهن، پیشوای مردم، مرحوم سیدحسن مدرس این پشیمانگام مقدم مبارز، بر علیه استعمار انگلیس و دیکتاتوری رضاخانی بود.

ماده ۳۳ قانون کار طاعتی در جمهوری اسلامی هنوز هم اجرا میشود!

دست زد. و در این راه از مقامات ستارل کمک خواست ولی نتیجه‌ای نگرفت. که هنوز جواسی نگرفته‌اند. تا اینکه در تاریخ ۵۸/۸/۱۶ بود اولیه تمام شده و کارخانگان خوابیدند. این امر نیز برای کارفرما بخوبی بدوا است. کارفرمای برای خوابانیدن کارخانه دست به ایجاد اختلال در فرزند تولیدات زد. که نتیجه یکی از اعضا شورا، کارفرمای با تبلیغات سوء علیه سوزان ساخت و باعث با مختارمان برای کارخانگان و سایر خردبازان تابع فروش تولیدات شده‌است. و به این

در میان مردم توریع شدید که در آن نوشته بود: «... از همه خائوفان و ساجدین خلقی که از آن روزها در و دیوار با هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد ... پوشانده‌اند تا ذهنهای مردم را از قانون اساسی منحرف کنند» البته خودمان متاثرین از رسوا شدند. اینها همه تا تکلیفهای بزرگمانند که امیرالمؤمنین در اوایل عمر مردم زمانه در رابطه با سیاست جدید جهانی خود گفته است: «... از انحراف استادی از وظیفه می‌پسندم امیرالمؤمنین در شاره‌های کلمات مجاهد رجوع کردند» اجازه بدهیم که در اینجا به یکی از مأموران ورزیده سارا که سالیان در مکتب جاسوسی سابق تعلیم دیده و وظیفه سرکشی نیروهای انقلابی را در ایران بپذیرفته داشته - تیروانی مدهود - اشاره‌ای کنیم. وی در پیروشی تحریکی ضد انقلابی خود تقریباً همان خطی را برای سرکشی انقلاب پیشنهاد میکند که استادن امیرالمؤمنین است در پیش گرفته‌اند، این خلاص سر کرده رژیم سابق پس از دستگیری، در اوایل عمرش در زندان، نکران اسلام و جمهوری اسلامی شده بود و در نامه‌ای که در باره تحلیل و ارائه سوزنا برای پیگیری انقلاب اسلامی نوشته بود، تفرقه‌اندازی، جدائی، وحدت گفتم و نهایتاً جنگ داخلی را برای جامعه ما پیشنهاد میکند و با وقاحت هرچه تاضیر میخواست تا در این امر سهم خود را ادا کند!

بناچار همه مبارزان و کربلای خود را فدای جبهه ملی کردیم که در آن زمان همه مردم ایران در پیوستن به جبهه ملی بودند و ما هم در آن زمان در پیوستن به جبهه ملی بودیم و این برای ما بزرگترین اشتباه بود. ما در آن زمان در پیوستن به جبهه ملی بودیم و این برای ما بزرگترین اشتباه بود. ما در آن زمان در پیوستن به جبهه ملی بودیم و این برای ما بزرگترین اشتباه بود. ما در آن زمان در پیوستن به جبهه ملی بودیم و این برای ما بزرگترین اشتباه بود.

دست زد. و در این راه از مقامات ستارل کمک خواست ولی نتیجه‌ای نگرفت. که هنوز جواسی نگرفته‌اند. تا اینکه در تاریخ ۵۸/۸/۱۶ بود اولیه تمام شده و کارخانگان خوابیدند. این امر نیز برای کارفرما بخوبی بدوا است. کارفرمای برای خوابانیدن کارخانه دست به ایجاد اختلال در فرزند تولیدات زد. که نتیجه یکی از اعضا شورا، کارفرمای با تبلیغات سوء علیه سوزان ساخت و باعث با مختارمان برای کارخانگان و سایر خردبازان تابع فروش تولیدات شده‌است. و به این

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله القاصم الجبارين بسم الله العظیمين

بناچار پیش بر مبارزات ضداستعماریستیم و در مکتب سیدحسن مدرس این جوان به تمام گروه‌ها و دستاوردها و مقاماتی که در مکتب امام خمینی پخته‌اند همه را در گردن خود املا میکنند و در کتابهای سایر نویسندگان آبرو می‌شکنند و در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.

۱. اختصار به کاری که در دلیلی روحانیت خودتو بیرونده‌اند عیوالت مبارز لفظی را بکنند
۲. اختصار به نام زنده و زنده‌یاب مبارز که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۳. اختصار به نام استادان ما که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۴. اختصار به نام مبارزانی که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۵. اختصار به نام مبارزانی که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۶. اختصار به نام مبارزانی که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۷. اختصار به نام مبارزانی که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۸. اختصار به نام مبارزانی که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۹. اختصار به نام مبارزانی که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.
۱۰. اختصار به نام مبارزانی که در مکتب امام خمینی یاد گرفته‌اند.

دروغ بر خمینی متشکن این بدو تاریخ زمان سرزمین خرم‌آباد منتشره عین



السته این نه اولین نه آخرین اعلامیه‌های است که «مصلحان» تحت عنوان «انگاری» و با اتهامات «دولتی» ناتمامت و بدون هیچ سابقه دولتی (که خود بهترین دلیل بر تحریک بودن آنهاست)، بپوش می‌دهند و انواع شتم و افترا و تشدید درگان مطرح می‌کنند.

ما از همان آغاز بارها و بارها چه قبل و چه بعد از تمام همین راه‌ها بطور رسمی و علنی نسبت به مکررات تفرقه افکنانه و توطئه‌هایی که در جهت غنچه دار کردن برای امتحان ساختن انقلابیون از جانب امیرالمؤمنین و برخی عناصر سلطه‌سالار دیگر صورت گرفته‌اند هشدار داده بودیم. مواضع ما در این مورد بر اساس یک تحلیل شخصی از عملکرد توطئه‌های امیرالمؤمنین برای تسویه بازسازی نمودن روشن نشده خود بوده است. به سوجب این تحلیل امیرالمؤمنین در سال سیاست جدیدی که در پیش گرفته‌است هیوازه به خنده‌های فرعی دامن زده و یا از دامن زدن مطالب استقبال می‌کند. بدین معنی که «ابتدا یا علم کردن مسائل فرعی و حاشیایی و دست گذاشتن بر نقاط اختلاف نیروهای مختلف، مبارزه رایب گاتالهایی فرعی کشانند» از مسیر اصلی منحرف می‌کنند، بدین گونه و وحدت اصولی مردم در مسیر واحد مبارزه ضد امیرالمؤمنینی یا فریبی سپردن قوه «تمام ملامت» که ضامن اصلی و فرعی گردن مسائل و مشکلات باشد، خنده‌ها می‌شود. آنگاه نیروهای مختلف را بجان هم انداخته و در این میان تا بتوانند با کفکار کردن انقلابیون راستین، همان نیرزدان سازش ناپذیر خلق

نقش نیروهای مسلح مردمی در تاریخ معاصر میهن ما

بقیة الرحمن

این دست‌ها همگی در میدان تویخانه گرد آمدند و دستور فرماندهان به آهنگ بارگ روانه شد و پهنر استیلا در برابر گرفتند...

مجاهدان همچنان در فرودگاه بودند دست دسته مردم با آنها آمیخته بیرون سرزشتند. ستارخان و باقرخان از جنگ برهوش داشتند و گسترگان می‌گردیدند...

مجاهدین با کوه‌ها بستن و ستارخان متوجه جیتود بود. در این جنگ ستارخان و باقرخان با هم...

دولت سبیل داده بود هنگام پیشین میان رسیده و دستام تنگ تر فزونی در آواز تیری برخواست. یکی از مجاهدان...

گردیدند گامرا از سوی دولت هفت تن کشته و بیست و هشتن زخمی و از سوی پارکمان هجده تن کشته و هجده تن زخمی می‌شوند...

سبیل تلگرافها و حمانها از مجاهدین به تهران سرازیر می‌شود و مردم از کشته شدن مجاهدین خوششان بجوش می‌آید...

مردم تهران از بیشتی آمد سخت افسردگی داشتند و همگی دلشوری می‌نمودند و با آنکه دولت حکومت نظامی برپا و سختگیران آغاز کرده بود باز آرا را بازمی‌گردید...

مجاهدین با کوه‌ها بستن و ستارخان متوجه جیتود بود. در این جنگ ستارخان و باقرخان با هم...

مجاهدین در روز اول از طرف دولت وقت کشته‌ها و زنیان افکنده می‌شوند. ستارخان و باقرخان...

حمله نمودند در اول حمله ستارخان و باقرخان سنگر مشرفین وسط که محکومتر درآمد. مجاهدین در آنوقت...

بعد از خلع سلاح و نابودی مجاهدین، انگلیسی ها تخت عنوان امین نبودن راهپادشاه نهادند...

خواست استعمارگران آن روز یعنی روس انگلیس در پشت پرده بودند و انگلیس و تقاضای آنها سنی بر حلق سلاح مجاهدین موید این امر است...

مردم تهران از بیشتی آمد سخت افسردگی داشتند و همگی دلشوری می‌نمودند و با آنکه دولت حکومت نظامی برپا و سختگیران آغاز کرده بود باز آرا را بازمی‌گردید...

مجاهدین با کوه‌ها بستن و ستارخان متوجه جیتود بود. در این جنگ ستارخان و باقرخان با هم...

مجاهدین در روز اول از طرف دولت وقت کشته‌ها و زنیان افکنده می‌شوند. ستارخان و باقرخان...

حمله نمودند در اول حمله ستارخان و باقرخان سنگر مشرفین وسط که محکومتر درآمد. مجاهدین در آنوقت...

عاشورای ایران

با یادگر در دین استیلا یعنی امیرتیا با بخور مسموم و مسموم پنجمین حقایق که برادر هافر در شامش بیان داشته بارگ کشته لغوی است...



اسناد و مدارک امپریالیزم آمریکا را افشا کنید

اعضای هیئت برتام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت

بدنایل تأخیرهای مقامات مسئول در ایشای متون و محتوای قراردادهای اسارت بار نظامی - اقتصادی و با امپریالیزم آمریکا ما با توجه به امکانات آنگدان بنا به وسایط ممکن و ضمایر مالیاتی خود با فشاری آنچه توسط علاقمندان و هواداران در دستمان برسد اقدام خواهیم کرد.

متن کامل قرارداد هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران

بافرستان استاد برای افشای ما را باری کنید

تقسیم به پرسنل انقلابی ارتش که در بار چنین قراردادهای اسارت با بی نظریه و سبوسند

AGREEMENT BETWEEN THE GOVERNMENT OF THE UNITED STATES OF AMERICA AND THE GOVERNMENT OF IRAN. In conformity with the request of the Government of Iran to the Government of the United States of America, the President of the United States of America has authorized the appointment of officers and enlisted men of the United States Army to constitute a military mission to Iran under the conditions specified below.

قرارداد بین دولت کثیرهای هند آمریکا و دولت کثیرهای امپریالیزم آمریکا در بار تأسیس ارتش ایران از طرف دولت آمریکا. این قرارداد در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۶ (۱۱ آذر ۱۳۲۵) در تهران امضاء شد.

در این شماره و چند شماره آینده متن کامل اولین قرارداد هیئت مستشاری آمریکا در ایران را با ترجمه آن چاپ خواهیم کرد. و برای درک سؤالات مطرح کنیم:

MILITARY MISSION TO IRAN. Agreement Between the UNITED STATES OF AMERICA and IRAN. Signed at Tehran October 6, 1947. Entered into Force October 6, 1947. UNITED STATES GOVERNMENT PRINTING OFFICE: WASHINGTON: 1947. (Reprinted October 1954.)

دستی و اجرا شد این قرار داد که به ظاهر برای مدت ۲ سال منعقد شده بود (۲۸ - ۲۶) بارها و بارها تجدید شد و چه بسا مواد حقاقت بار دیگری که بر آن افزوده شده است. سندی که در اختیار نامت، مربوط به سالهای ۱۳۳۳ (۱۹۵۲ میلادی) یعنی درست بعد از کودتاست در پشت جلد سند نوشته شده است «عمل» تا ۱۳۵۲ به قوت خود باقی مانده و اجرا است. در اینجا علاوه بر این سؤالات مطرح می شود که سرانجام این قرارداد با همکاران و اعضای آن ملت ایران حق داشت و ندارد که از جزئیات تقصیر با خبر شود؟ افشای این اسناد ضایع چه گروهها و افرادی را به خطر میاندازد؟ طبق ماده ۳ دولت شاهنشاهی ایران برای اینکه سایر ایرانیان را بر سر خود مستدام بدارد با هیئت نظامی تمهید را گنجا و کمالات قبل از انقضای مهلت به طرف آمریکا اعلام دارد تا مهلدا ارباب آمریکائی بنشینان شده و توگرد دیگری دست نیابند. اینجاست که باید گفت: صید از بی صیاد دویدن مژد دارد. برای لغو قرارداد هر یک از طرفین بایستی سه ماه قبل کتباً بطرف دیگر خبر دهند اما در بند ۳ همان ماده آمده است: «دولت آمریکا حق دارد هر موقع که «منافع ملی آمریکا» اقتضا کند کلیه کارمندان هیئت را احضار کند بدون اینکه لازم باشد تمسک آنرا با رعایت کند.» خوب توجه کنید! مقایسه بین «منافع ملی آمریکا» در بند ۳ ماده ۳ و «بهبود وضع ارتش ایران» در ماده ۱ دم خروس منافع امپریالیستی و از لای قباب هیئت مستشاری آمریکا که خوب نمایان میبازد. در مورد بند ۳ ماده ۳ در پیوندها با سایر مواد به تفصیل صحبت خواهیم کرد. «منافع ملی آمریکا» در بند ۳ ماده ۳ «چگونه» بیکار دیگر لغت را بخوانید) سمت فرماندهی یا ستادی خواهند داشت.

نامۀ سعادت بی دانشجویان پیر و خط امام آمریکا برخوردار بودند و هستند. حدیثی که خاطر اصمیت حیاتی منابع و موقعیت استراتژیکی ایران در منطقه برای امپریالیزم آمریکا اوست، لذا ما را با دشمنی خونخوار و فراقرنگی به سرکردگی آمریکا و روبرو میگرداند.

این نامه را سعادت بی تاریخ ۲۱ آبان، فرستاده است. ولی از یک طرف چندین روز دیرتر بدست ما رسید و از طرف دیگر فرستار کتباً به علت تراکم تبلیغاتی نتوانستیم چاپ کنیم. از یک بیست روز از تاریخ نگارش آن میگذرد. ضمناً بدست ما رسید نامه ایچا را آنرا خلاصه کرده ایم. بنام خدا و بنام خلق فخرمان ایران درود بر دانشجویان انقلابی که با اقدام شجاعانه خود در سمرقند و جدیداً در انقلاب گوسفند خلعان و سرخس، در سمرقند که میرفت با پانچوازم و اقسام تولقهایی آشکار و نهان توسط فرصت طلبان تیره و تار و دشمنان ما نشان دادند که چگونه میتوان در عمل نامی خلق را حول محور واقعی خویش بسیج نمود و دوباره شور و شوق انقلابی را در مین خونماران شکوفا ساخت. باری، انقلاب بعد از سرنگونی دستگاه دیکتاتوری و تنها در تنها در تمام عسکریالیستی آن بود که می توانست در سیر ارتش و رشد خود به حرکت ادامه دهد. در این سیر بود که تمامی خلق بطوریکه کارچه سیس می گشت و کام بگام ارتشهای انقلابی خود را تحقق می بخشید. ولی بدیم که چگونه بعد از پیروزی ارتجاع با فعالیت افتاد تا این موج خورشان را با خاچیگری گرداند و با آبرو بدور خویش در یک خط انقلابی بچرخاند. چیزی که در نهایت جراتی و سرخوردگی خود بر حراحت گزیران سرانجامی داشت. این امپریالیزم به تجربه دریافته بود که در حالت تبلیغی در ایران نمیتواند با نفع و منفعت بلکه خود بدست خویش خرابی را با بصورت گزیرانسی خویش خراب کند. لذا بطور بسیار راهزانه و زیرکانه به خرابکاری و ایجاد شراش و رانی خاص، به جهت رشد ارتجاع و پس زدن نیروهای انقلابی پرداخته و بطور حتم می توان قبول کرد که در این خط منی تمامی دولت های امپریالیستی از وحدتی کامل سرگردگی سید محمد رضا سعادت سی ۵۸/۸/۲۱

دولت آمریکا حق دارد هر موقع که «منافع ملی آمریکا» اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند

موضوع - «جایگاه» مریدان و ارشدیت باریان هیئت مستشاری آمریکا در ایران. این هیئت مستشاری آمریکا در ایران در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۶ (۱۱ آذر ۱۳۲۵) در تهران امضاء شد. این قرارداد در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۶ (۱۱ آذر ۱۳۲۵) در تهران امضاء شد. این قرارداد در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۶ (۱۱ آذر ۱۳۲۵) در تهران امضاء شد.

این قرارداد در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۶ (۱۱ آذر ۱۳۲۵) در تهران امضاء شد. این قرارداد در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۶ (۱۱ آذر ۱۳۲۵) در تهران امضاء شد. این قرارداد در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۶ (۱۱ آذر ۱۳۲۵) در تهران امضاء شد.

با توجه به اسناد با سؤالات زیر جلب نظر میکند: ۱- وظیفه واقعی این هیئت نظامی در ایران چه بود است؟ ۲- قرارداد مزبور برای چند سال منعقد شد؟ ۳- وظیفه تعیین «اصول کار» ستاد ارتش ایران «به عهدچه گمانی» است؟ ۴- بازرسی و تحقیق در ارتش ایران توسط چه کسانی میگردید؟ ۵- برای پاسخ به سؤالات فوق و سؤالات پیوسته دیگری که در ذهن هر خواننده صریح صحت است بوجود آید

اعضای هیئت برتام و امپریالیزم ایران را بخورد می گردند

اعضای هیئت برتام و امپریالیزم ایران را بخورد می گردند

شعر خون در فلسطین در بند

مردم در زیر فشار و شکنجه دشمن ، وقتی نذارند که ذهنی لازم را ندیده باشند مایوس می شوند بی آنکه با فریاد و مشت گره شده های به مقاومت برخیزند ، پرواز به ستم تن می دهند

اگر چه زندگی در اشد گذشت ولی کشتی که در دل دردم زار فرمای زمستان من است (محمود درویش)

مردم ، در زیر فشار و شکنجه دشمن وزندگی ، وقتی تدارک ذهنی لازم را ندیده باشند مایوس می شوند بی آنکه با فریاد و مشت گره شده های به مقاومت برخیزند ، پرواز به ستم تن می دهند ، این ها می شود مایوس می شوند بی آنکه با فریاد و مشت گره شده های به مقاومت برخیزند ، پرواز به ستم تن می دهند

شاعر نسیانند این مردم جزایمی می خواهند و برای روشن شدن چراغ کبریتی می خواهند که خرم خشم فروخورده شان را متغیر کند ، امیدشان دهد و چشمتان را به چشمانداز پرشور آینده باز کند و در پرتوهای دشمن شکن بگذرد که اراده انسان ، بر تانک و توپ متزلزل جیره شود و تفنگ گهواره در پنجه انقلابی ، ستیزان بر پیچیده ترین سلاحهای مدرن غلبه کند ، چرا همین مردم ، وقتی اولین پیروزی سازمان آزادیبخش در سال ۱۹۶۸ یعنی در نبرد کراهه ترس و پشیمان را ریخت و انسان شکت ناپذیری اسرائیل پرخاش مثل ساختمان پوسیده ای درهم ریخت ، دیگر هرگز از مقاومت دست نکشیدند و تفنگ همد همشگفتیان شد و خشم مردم ، فلسطین را قلب خون چکان عاوری مانده کرده اند ، شاعر در آن سالهای با من رو کرد ، نمی تواند به تکلیف ناتوانی مردم بی بزدل و پشیمان و بیسوزان و ریشمهای زیتون هایت

چهارم از اشعار او را آماده میکند ؟ چه کسی اصل خاک را بهار می نشاند ؟ برادرت کجاست ؟ پدرت کجاست ؟ پس چرا خشکمن نمی شوی ؟ مادامی که جسم پدرت بر کفش های " شب " مطلوب میشود ما اندوه را با انبساط حمل کردیم و سحر نشد اندوه آتش است طوفان ها نزد تست چرا مهارش می کنی ؟ (محمود درویش)

شاعر میداند برای درک زنی بیاد یک نظام ، به کینه عمیق نسبت به آن نظام نیاز هست ، ولی مردم در آن شرایط عقلمان و ناکلامی و ناامیدی ، پیام مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت بی نهایت سالگرد

فراموش نمی کنیم که چگونه در آخرین لحظات حیاتش ارتجاع بطور وقیحانه ای او را به توبه فرمای خواند این هفته محافل بود با شهادت مجاهد شهید دلیر حسن ابراری ، متأسفانه بدلت کمبود جا نتوانستیم زندگی نامه این رزمنده دلیر خلق را چاپ کنیم ، می میکنیم هفته آینده به چاپ آن مبادرت ورزیم ، در زیر پیام مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت را به همین مناسبت میآوریم :

روز چهاردهم آذر ، موسم سالگرد شهادت مجاهد شهید حسن ابراری است ، او را در محراب چهاردهم آذر ۱۳۵۵ در شرایطی به میدان تیر بردند که از یکطرف برادران ما پیش از یکسال بود که مورد هجوم خانانده ایرونیستنیایی چپ ناسا واقع شده بودند و از طرف دیگر ارتجاع با بورش هم حاکمیت خویش خلقی در گزینی آخرین رمق آنان بود و در ورای تمام انبیا ، دستگاه فاشیستی و مزدور آریسموری آخرین تلاش خود را در شکار کامل آنها نمود ، فراموش

نسیانند از نرفت و کینهشان برای مبارزه با دشمن استفاده کنند ، به ملت هر روز زمان ، شاعر مجبور میشود ، جدا از توده ها عمل کند ، با کلام و حتی با تفنگ بعد از رویه ۵۲ که ناصر حامی فلسطین ، در مصر به قدرت رسید ، شعرا با دلگرمی بیشتری برای مبارزه بسیج شدند و ابتدا از طریق کتاب و مجل و روز به انتظار از رژیم اشغالگر و ضد مردمی پراختند و سعی کردند هر چه بیشتر مردم را نیز با آن رمز و کلمات آشنا کنند ، این حرفه زیر حاکمیت برای مردم تنها فلسطین بسیار انگیزاننده بود ، دولت فاشیستی اسرائیل برای جلوگیری از این موج فراینده سانسور را شدیدتر کرد و با تیر و تفنگ و تبعید و زندان با آن به مقابله پرداخت ، فاعل از اینکه (وقتی ملتی خواستار حیات شود ، تقدیر بناچار کردن می نهد ، شب می شکافد و به روشنی می گراید و توجیها گشته میشود) ، و با هر ضربی از مشت گره شده ای به هوا بلند میشود و هر شکنجه و زندانی ، شهیدها می پروراند در این مورد قصه شاعری شاعر شهید فلسطینی نمونه گویای است :

در سال ۱۹۶۲ دیوان شعر عاشقانه عبدالحمید شاعری پس از یکسال بررسی از زیر سانسور سانسور دستگاه امنیتی اسرائیل گذشت و بی ضرر شخصی داده شد ، اما سه سال بعد وقتی یکی از مبارزان فلسطینی در ارتباط با تبعیت آزاد بخشش که از سال ۵۶ در خط شروع بکار کرده بود دستگیر شد ، پلیس در ضمن کشتن کتابهای او به کتاب شعر شاعری برخورد که آن مبارز زیر حاکمیت شعر خط قهر کرده بود ، پلیس که برای خیابان بندی ثوری که از پیروزی نامر در سال ۵۶ در قفسه پلی شدن کانال سوزن بر انگلیس و فرانسه و اسرائیل در فلسطینی های مناطق اشغالی موجود آمده بود سبزه بهانه ای متوسل میشد ، بخاطر همان چند بیت شاعری او به محاکمه کشید در دادگاه ۱۰ بیات که صرفاً " عاشقانه بود مورد تفسیر قرار گرفت ، اصل شعر به این شرح است :

با وجود آن شب خیانت پشنه با وجود آن شب رنج آور جلوه گری میکند داستان ستم تو " کفر قاسم " با همه آتشی که بازان گونه از آسمان فرو می ریزد با وجود گلومهائی که به فراوانی از سلسله جاری بود تا آمده ایم چه میسرسلط ، بی سارنگ در پیش پایمان نهاداست ...

این شعر سه سال بعد در یکی از جلسات محفل شعر جوانی در منزل یک یهودی دوستدار فلسطین خوانده شد ، آن توستند یهودی که بنامش تئور نام داشت از شنیدن شعر و شرح قتل و کشتار مردم بی پناه " کفر قاسم " متقلب شد و آن را به صبر ترجمه کرد و انتشار داد ، این ترجمه بلوای بی کرد و گروه زیادی از یهودیان فلسطینی که از رژیم پهلوی - نظامی اسرائیل به ستوه آمده بودند به دفع فلسطین تطهارات کردند ، در این قصه بنامین و سح القاسم زندانی شدند و آن ششای شعر که روزنه امید برای امیراب منطقه بود خود بخود بست شد ، سح القاسم القاسم ، سالها در زندان ماند ولی دست از مبارزه نکشید ، شری از او که در سال ۱۹۶۸ در زندان " حبلما " حروقه شده شاکر این مارش ناپذیری اوست :

درد می کشم مادر که چشمتان را اشک فرا میگرد که هنگامی که دوستی در خانه رامی کوید و از من می پرسد اینان دارم که شوکه زندگی در زندان من زاده می شود ، بالا و در دنبال این زندانها ، روز خواهد آمد ، (ناماد)



یادی از آخرین صحنه های حیات سردار جنگل

آنهایمان بسته بودند که تاپیروزی خلق موی سرو صورتشان را اصلاح نکنند میرزا در آغوش باز میدبرد اسما میرزا چه در دوران مبارزاتش چه بعد از مرگش بعنوان سمبل مقاومت و فداکاری و یار زنده هادر آذهان جای گرفت میرزا بکار دیگر تمام قوانین هم رزمش را جمع کرد و مدتی هم افغان و خیزان کاری از دستش ساخته نبود ، آمدردی از دل بازورد سرش بر روی شانه هایش خم شد و پلکشایش سنگین و قلش از طیش باز ایستاد ، مدتی که علوم نیست جعفر شایه چند ساعت و شاید به چند روز گذشت ، بوری که از خلال عازم گیلان بود در مسیر راهش سیاهی های می بیند ، نزدیک می شود ، او را می شناسد ، او همان مردی است که ۷ سال حماسه آفرید اما افسوس که در سر رسیده بود و آنها جان به جان آفرین تسلیم نوده بودند ، با عجله خود را به نزدیکترین آبادی رساند قصبه سیرا را با مردم در میان گذاشت مردم متازر شدند و وجد آنها را به آبادی آوردند ، وقتی سپاه رماغان قلعه بدلتیا از میرزا کینه ای عمیق بدل داشتند سر رسید ، آنجهان که گوئی از حسد میرزا موه و حشمت دارند ، مرض را از تن جدا کرده و مدلتیا در مقام اسید نهایش گذاردند ، تا به این وسیله اسید توده ها را نابود شده فلداد نمایند ، فاعل از اینکه از خون هر شهید والاقتل هزاران جوان اسلحه بدست می چرشد وسیرا و میراهای دیگری خلق میشوند ، میرزا چه در دوران مبارزات وجه بدار مرگش بعنوان سمبل مقاومت و فداکاری و غم و توده ها در آذهان جای می گیرد ، سرقی دیگران میشود و زاندر توده ها و این را بخوبی ستوان از انظار فولکوریک گلگی مشاهده نمود ،

میرزا در شرایطی که مردم زجر دیده زیر بار ستم استمرار وفودالیزوم گذرناش عمیده بود قیام کرد و قلب آنها را تسخیر و در اختیار خود گرفت و چیزی نگذشت که بعنوان مایمی مردم شناخته و امتداد آنها را بخود جلب نمود ، اقتصادی که محصول مشق میرزا به بودند که تا رسید به پیروزی و حاکمیت خلق موی سرو صورتشان را اصلاح نکنند ویر این پنهان سخت ایستادند زمان خود را فدا نکرده ، در آخرین روز حیاتش همراه با همزمان و دار و دستهای چون گزبان گرسه در پی او می کشند در کوههای بین راه خلال و گیلان با حملات بیرحمانه بوران و طوفان مواجه شده و سرانجام زیر ضربات خرد کننده سرما از پای درآمده ، کاکوک همروز وفادار الانبایش زودتر از میرزا طلوت خود را از دست داد و از حرکت باز ایستاد سیرا دست او در رفق چندانی نداشت می گویند که رفق و یارانش را که بسیار تعداد کم بود بر روی دوشهایش به آبادی برساند بعد از مدتی زانرا با وهم اغراض خشکی و سرما ست دست و پنه زین افتاد تمام مصلحتان از کار افتاد مگر مرضی که هم چنان فعال بود و فکر ایرانی آزاد و توده های تحریری که عاشقانه دوستان داشت ، شایه اگر همزمن را همانجا که افتاده بود می گذاشت و خود تن را می سپرد و فوایدی ویر و باران را هم شکست میداد و معلوم می شد سطرشای کاکوک فداکاری و گذشت میرزا چنین اجزای را از تن نمیداد ، آخر دل میرزا که از محبت عالی نشده بود ، و چون دشمنانش سنگدل نبود ، اینجاست که موهر واقعی انسان شاعرت میشود ،

چگمی اصل خاک را به بار می نشاند ...

جلوه خرابیدنت چنان است که آهوان از بسیاری نظاره خشک میشوند که نفسی ترین ترمه ای هستی که سندانها از کشمیر آورد تو بزرگترین برآوردی هستی که صباهای در " محرق " میدگرد تو جوان شاهکاه دمشق لیریز از ستاره ای ، اما تفسیر آن

تو آنچنان غرابیدنت هستی که آهوان (یعنی پلیس اسرائیل که نشانش بخورت کردن اوست) از دیدنت خشک می شوند ، نفیس ترین ترمه : اسمحمانی که از مرگ کشمیر بوسله شوروی به سطرارت ترانه های مردمی نشانه ای از عشق توده به بیستاران رزمنده اش می باشد ادبیات آئینه تمام قد احساسات و موفات خلق است ، در ادبیات فولکوریک میتوان تمام گفتنها و پیروزیها ، و بیستاران ، دوستان و دشمنان خلق راو همه چیز را یافت ، حماسه سردار جنگل تأثیر تعیین کننده ای در آذهان توده های رنجبر خطه گیلان داشت ، مردان و زنان دلیری که خود عماره ساز و زحمت و رنج بودند ، هیچگاه سردار مسلح خویش را فراموش نگذرد و همواره خاطره او را زنده نگاه داشتند ، ترانه زگر که به زبان گلگی سروده شده یکی از ترانه هائیست که یاد آور رزمنده ، جنگل سرخ گیلان میباشد ،

چقد جنگل خوشی ملت و آس خستانبوسی می جان جانانا تراگوام میرزا کوچک خان خدا دانه که من تمام خفتن از ترس دشمن می دلم آوریانا تراگوام میرزا کوچک خانای چیره زودتر نشانی تند تر نشانی نهیاد بلانی گیلان ویرانترانرا گوام میرزا کوچک خانای بیای روح روان تی ریشنا فریاد بهم توانان تی کس چوینان تراگوام میرزا کوچک خانای آمارتشت چلنان اسپم تی فرمان کتیم آمجان تی باجیر فرمانان تراگوام میرزا کوچک خانای چقدر در جنگل می خوایی بخاطر ملت آیا هسته شده ای ؟ جان جانان من تراگوام ای میرزا کوچک خان خدا می داند که من نمی توانم بخوابم از ترس دشمن بدلم دانه پاره شده تراگوام ای میرزا کوچک خان چرا زودتر نشانی تندتر نشانی تنها و یار کرده ای گلکان ویران را تراگوام ای میرزا کوچک خان بیای روح روان قربان ریشنا کردم تو هم مبارزیداری چشمتان چلنان تراگوام ای میرزا کوچک خان ما پهلویهای و پشیمان به فرمان تو هستیم جانان رامی کشم زین بهایت فریاد تراگوام ای میرزا کوچک خان

مبارزات کشتی و فیورسوز خلق و ضد خلق است. تاریخ شاهد حتمی است. ساری از این دست بود. ما کمترین و عالیترین نمونه از فرگویی انقلاب و ضد انقلاب است. که حق ستارند. الگوئی زنده و روشن برای هر جا و هر زمان باشد.

از سال و دهه های جوان و شهادت و رایش بر میگردیم که خلق با الهام از چنین الگوئی، در راه مبارزه سخت علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا این دشمن سرکشت خفقهای جهان است. و چه تبارن مبارکی چرا که ما برای وصول به پیروزی و برای آزادی از قید و بند امپریالیسم آمریکا نیاز به چنین سند آفرینشهایی داریم. نیاز به آفرینش مبارزانه‌های تازه و گریزهایی دیگر - چرا که رابطه ما با این دشمن شماره یک همه خلقهای تحت ستم جهان، متحد با امرات است و برای گذار از حل این تضاد چاره‌ای نیست جز خون و شهادت.

خوشحانه امروز شاهد طلیعه چنین دادگرایانه‌ای هستیم. گامی به واقع چند هفته گذشته و مسج برتر بر خفقان در مبارزه ضد امپریالیسم. مبارزاتی با سبک چشم انداز شورانگیز انقلابی ماست.

مبارزات کشتی و فیورسوز خلق و ضد خلق است. تاریخ شاهد حتمی است. ساری از این دست بود. ما کمترین و عالیترین نمونه از فرگویی انقلاب و ضد انقلاب است. که حق ستارند. الگوئی زنده و روشن برای هر جا و هر زمان باشد.

از سال و دهه های جوان و شهادت و رایش بر میگردیم که خلق با الهام از چنین الگوئی، در راه مبارزه سخت علیه امپریالیسم خونخوار آمریکا این دشمن سرکشت خفقهای جهان است. و چه تبارن مبارکی چرا که ما برای وصول به پیروزی و برای آزادی از قید و بند امپریالیسم آمریکا نیاز به چنین سند آفرینشهایی داریم. نیاز به آفرینش مبارزانه‌های تازه و گریزهایی دیگر - چرا که رابطه ما با این دشمن شماره یک همه خلقهای تحت ستم جهان، متحد با امرات است و برای گذار از حل این تضاد چاره‌ای نیست جز خون و شهادت.

خوشحانه امروز شاهد طلیعه چنین دادگرایانه‌ای هستیم. گامی به واقع چند هفته گذشته و مسج برتر بر خفقان در مبارزه ضد امپریالیسم. مبارزاتی با سبک چشم انداز شورانگیز انقلابی ماست.

گزارش کوتاهی از راهپیمایی گروهی از دانش آموزان طرفدار مجاهدین در روز تاسوعا

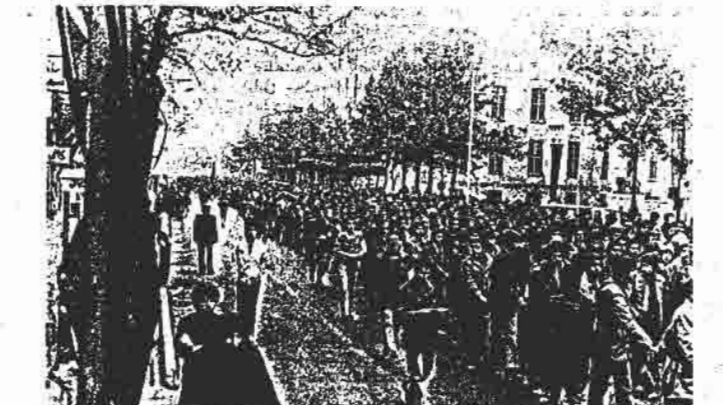
دیگر آن حال و هوای خسته کننده در کار نبود که امام حسین را به بند تانوان و فلک زدایی که در دست قدرتمندان گرفتار شده‌است، تشبیل کرده بود. اینجا دیگر چهیره راستین حسین (ع) بر داشت انقلابی و اصل اسلامی را آشکارا و گریلا بود که در تارنما تلخ می یافت. شعارهای همگون: «ماشورای اسرارال نوره بر اندام شاه» «ماشورای اسرار اخراج آمریکا» با «آمریکا، بخاند گل کل بوم ماشورا گل ارضی کربلا شفق دین است» با «به گفته خمینی آموزش نظامی در کشور اسلامی، ترویج باید گردد.» با «هر زمین کربلا، هر زمان آمریکا» و «دشمن خلق ما با پدر و مادر خود در دنیا شمار دیگر همه نشاندهنده» محتوای انقلابی و ضد امپریالیستی است که تظاهرات اسرارال بخود گرفته است.

مهرتور گروهی از خواهران و برادران از قبل شروع «بنام خدا» - سروده‌ای که «عیدها» توسط سازمان تهیه شده است - را تعریف کرده بودند. زنجیر شکنی پیروان صف تشکیل میدادند تا نظم صف بهم نهد و شرکتشان در مراسم بسیار چشمگیر بود.

قرار جمعا ساعت ۷/۵ میدان امام خمینی ابتدای خیابان فردوسی بود. از ساعت ۷ جمعا بتدریج در میدان جمع شده بودند. با بیست دقیقه تا ساعت حدود ۷/۳ دقیقه بود که جمعت به صف شدند و با ستن ۸ و با نظام استنادند. برادران جلو و خواهران عقب. برادران و خواهرانی که دستیابی خود را بهم گره کرده بودند، زنجیر شکنی پیروان صف تشکیل میدادند تا نظم صف بهم نهد و شرکتشان در مراسم بسیار چشمگیر بود.

قرار جمعا ساعت ۷/۵ میدان امام خمینی ابتدای خیابان فردوسی بود. از ساعت ۷ جمعا بتدریج در میدان جمع شده بودند. با بیست دقیقه تا ساعت حدود ۷/۳ دقیقه بود که جمعت به صف شدند و با ستن ۸ و با نظام استنادند. برادران جلو و خواهران عقب. برادران و خواهرانی که دستیابی خود را بهم گره کرده بودند، زنجیر شکنی پیروان صف تشکیل میدادند تا نظم صف بهم نهد و شرکتشان در مراسم بسیار چشمگیر بود.

سورانه و انقلابی این مرزبان آنها نتوانستند به مفاد توم خود برسند و چهجا برای خود آداه دادند. آنچه در اینجا عیب آور است اینکه در شرایطی که امام اینچه ناگفته بر وحدت همه نیروهای مردمی در مقابل امپریالیسم داوره و در شرایطی که توده مردم نیز ضرورت این مسئله را عمیقاً درک کرده‌اند، ما این عده بدون و بدون اطلاع چه میگویند، اگر رنگی به کفش ندارند، اگر از اوج کبری



یست میلیون جوان... بیست میلیون تشنگان

سارزه ضد امپریالیستی وحشت ندارند اگر... پس چنین برخورد تفرقه افکنانه از کجا ناشی میشود؟ ساعت ۱ بعد از ظهر در حالیکه جمعا در زیر طرآن شدت تابی غسی شده بودند. مرکز بر آمریکا گریان متفرق شدند و میگفتند عده ما ساعت ۲ دانشگاه سخنرانی برادر مجاهد موسی خیابانی.

فرهادخان کوندنتر
موفقان تفرقه
قدسیان استوارتر

ادانه داشت. حدود ساعت ۱۲ در اواسط خیابان آزادی بومیم که جمعت شروع به بازگشت نمود. خواهران و برادران دانشموز نیز با حفظ صفوف خود به سمت میدان انقلاب شروع به بازگشت نمودند. در مسیر بازگشت گروه اندکی که با کمال تأسف خود را نیز شنبه به امام و در راه امام دادند، میخواستند راه را بر جمعا ببندند و با دادن شعارهای تفرقه افکنانه و تحریک محیط، این جمع انقلابی و ضد امپریالیستی را بهم بزنند. که خوشحانه با برخورد

بگوش سرسید تلخیز ملامت و سستی جوانان عزیز همین در مقابل امپریالیسم این دشمن خونخوار بود. این مسائل همه نشان میدهند که ملت جوانانی هستند که امید واقعی برادران دانشموز نیز با حفظ صفوف خود به سمت میدان انقلاب شروع به بازگشت نمودند. در مسیر بازگشت گروه اندکی که با کمال تأسف خود را نیز شنبه به امام و در راه امام دادند، میخواستند راه را بر جمعا ببندند و با دادن شعارهای تفرقه افکنانه و تحریک محیط، این جمع انقلابی و ضد امپریالیستی را بهم بزنند. که خوشحانه با برخورد

آشنایی با مردم صحرا و جنبش آزادیبخش آن "پولیسیاریو"

استعمارگران برای درهم کوبیدن قیام مردمی صحرا سهره اسمره راه آتش کشیدند و بسیاری از مردم آنرا به شهادت رساندند

در زمان تسلط امپریالیسم فرانسه که قدرت سلطه در شمال آفریقا به حساب می آمد، وضعی در آفریقا مستعمراتش داشت، چندین امپریالیست را مورد تهدید دیپلماتیک ستمی بر انتقال میرا قرارداد. و الاخره هم بعد از چند سال بحث و گفتگو با امپریالیست بر سر تقسیم منابع آن هم به توافق رسیدند. وحشی چند قرارداد حربه‌ها هم امضا کردند و بر سر هر یک برای سرحدات مستعمرات خود تعیین نمودند. ولی همچنان قدرت سلطه در صحرا دولتی امپریالیست بود.

در سال ۱۹۵۵ «حدادا» مقاومت های طیف نیروهای انقلابی فرانسیسی و اسپانیایی شروع شد. همبر این مبارزات با فردی بود بنام «المسین» که از مقامات برنود صحرا سوسی می شد.

سارزه تشدید را آغاز کرد. که نزدیک چهل سال طول کشید. این حشش که تظاهرات فدرسی و به بدگاه بران جاک بود، با یک مکتب حشش از جانب انقلابگران بوجه گشت. طوریکه فرانسویها در ۱۹۵۲ به منظور طایفه با آن شهر "اسمره" را آتش کشیدند. بسیاری از مردم آنرا به شهادت رساندند.

۵۰۰ جلد کتاب از ارزش و خطی از مردم صحرا سوخت و از بین رفت. مقاومت هم در سال ۱۹۵۲ فرانسه و اسپانیا مشترکا اقدام به سرکوبی جنش کردند و در سال ۱۹۵۶ اسپانیا تسلط نظامی خود را بر کل صحرا اعلام کرد. اما این سرکوبها هر چند غش و وحشانه بود، نتوانست خلق صحرا را از تلاش ضد استعماری و مبارزه برای رهائی و استقلالش بازدارد.

تاریخچه مختصری از صحرا

در اوایل قرن ۱۶ قلیلی از بین به سوی صحرا کوچ کرده. و در این منطقه شدند.

از زمان ابتدا این منطقه بملت کربایی و تقصالی که از نظر بارندگی داشت، متحصر به قبائل چادرنشین شد که زندگی شان از راه گلهداری و کشاورزی می گذشت، و می توانستند با کشور آب و هوا و موافق باریم فصل سال در عرض صحرا حرکت کنند.

برخی طایفه قومی بین مردم صحرا وجود نداشت، و تقریباً یک نظام اشتراکی بر مردم حاکم بوده. شورای ۲۵ نفره منتخب از قبایل مختلف آنرا اداره می کردند.

سابقه سلطه استعمارگران بر مردم صحرا به چند قرن قبل بر میگردد. اسپانیا در قرن ۱۹ بخش سلطه به صحرا و بافت منابع آن برای خود را در آن جا پناه داد. آنجا را در چندین منطقه ساحلی مشترک کرد. متعاقب این کار مردم صحرا نیز در مقاومت در مقابل شورای انقلابگران کربایی توانست مقاومت با ملت چادرنشین توانست جلوی هجوم بیگانگان را بگیرد.

اسپانیا بالاخره با سرکوب این مقاومت ها و تحت فشار گذاشتن شورای ۲۵ نفره بر صحرا سلطه در سال ۱۸۸۲ آنرا خود تسلط ستمش را اعلام کرد. و نام آنرا نیز صحرا اسپانیا نهاد. در سال ۱۸۸۵ در کنفرانس برلین که به منظور تقسیم جهان بین قدرتهای اروپایی تشکیل شده بود اسپانیا این مستعمرات خود را به بریتانیا و فرانسه بخشید. بعد از این تثبیت شدیدا به فارت منابع صحرا پرداخت. لازم به ذکر است قبل از اسپانیا هلند و بریتانیا و پرتغال صحرا را زیر نفوذ داشتند.

"جنبش آزادی بخش صحرا" راه رهایی را بنوده های ما میوز

در سالهای بین ۱۹۶۵-۱۹۶۰ که جنبشهای استقلال طلبانه در گوشه و کنار آفریقا آغاز گرفت، روح آزادی خواهی تازای در ملت صحرا نیز دمیده شد. و مردم صحرا مجدداً شروع به مبارزه با نیروهای انقلابگران نمودند. این مبارزه که ابتدا بصورت مقاومت های پراکنده و نامنظم بود، کم کم گرفتار و درنگ یافت. گشت. تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۶۷ جنبش آزادی بخش صحرا (M.S.L) تشکیل شد. رهبری این جنبش با محمد ابراهیم صمدی بود. دولتی اسپانیا بر این طایفه با (M.S.L) همی از ریش طغیان بنام (جامعه) تشکیل داد. با اینکه بتواند سارزه مردم را به انحراف بکشد. وحشی اختیارات و امتیازات فراوانی برای آنها قائل شد. استعمار حاضر در به امپریالیستال م م دهد. البته از میان استقلالهای

پیام پشتیبانی

مجاهدین خلق ایران

بمناسبت روز جهانی فلسطین

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

مجاهدین خلق ایران روز جهانی فلسطین را گرامی داشته و بزرگوارتر بر وحدت ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی خلقها و انقلابات ایران و فلسطین تاکید میکنند. همچنین باید تاکید نمود که نقش پیشاز انقلاب فلسطین در انقلابات منطقه قابل هرگونه تقدیر و ستایش انقلابی است. بدیهی است همچنانکه بارها تکرار کرده‌ام ساله فلسطین دیگر تا آنجا که به ما مربوط میشود باستی از کسوت شرم و شار خارج شده و لباس علمی و حمایت مادی و مطنوس پوشید.

مرگ برای امپریالیسم و صهیونیسم بین الطالی
مجاهدین خلق ایران
۷/ ۲/ آذر ۵۸

دعوی پولیساریو از مجاهدین برای دیدار از "صحرا"

دیدار "ماء العین ولد صدیق" فرستاده ویژه جمهوری

دموکراتیک عربی صحرا با برادران مجاهد

مشنه آذر ماء العین ولد صدیق فرستاده ویژه جمهوری دموکراتیک عربی صحرا پولیساریو) با برادران ما دیدار کرد. در این ملاقات انقلابی نقطه نظرهای طرفین به تفصیل برای یکدیگر تشریح شد. نماینده پولیساریو ضمن دعوت از مجاهدین برای بازدید از صحرا و آشنایی هرچه بیشتر با انقلاب آزادی بخش و دموکراتیک صحرا گسترش روابط بین انقلاب صحرا و ایران و همچنین



"ماء العین ولد صدیق" عضو دفتر سیاسی جنبه آزادی بخش پولیساریو

و مسوود جوی عضو کادر مرکزی سازمان خلقی است باستی بملاحظه سیاسی از اوضاع و احوال مساعد بین الطالی و حمایت جمعی کشورهای فرنیخواه در علیه دشمن اصلی خود جست. نماینده پولیساریو انقلاب خود را با یادآوری دموکراتیک و راهایش توصیف نمود. تقابل مجاهدین خلق در ادامه پیوندهای گذشته خود با پولیساریو نقطه نظرهای اولدوزوی اسلامی خود را با مشایخ خداستند. خود استعماری و خداستشاری تشریح نمودند. بخش دیگری از این ملاقات تجربه و تحلیل مشخص اوضاع و احوال سیاسی در ایران و نحوه پیشرفت های سازمانی و روحی جنبش پولیساریو اعضا می دانست

از انقلابان و تالیفی می شود که
کتابهای ملی خود بر روی زبان
مجاهدین خلق ایران را به حسی
بهراری شماره ۱۶۵۰
مبارزات همه ۲۵۵ واقع در ۵۹
مبارزات ویرانه نشانی و حواله آن
مستحق و شکر شکران ۱۶
شماره ۱۶/۱۹۱۸
شماره ۱۲/۱۳۳۵

هفته نامه مجاهدین
سال اول انتشارات ۱۶
آدرس: تهران ۱۶- صندوق پستی
شماره ۹۱۸/۱۶ تهران ۱۶-
صندوق پستی ۱۳۷۱۲۵